خبر

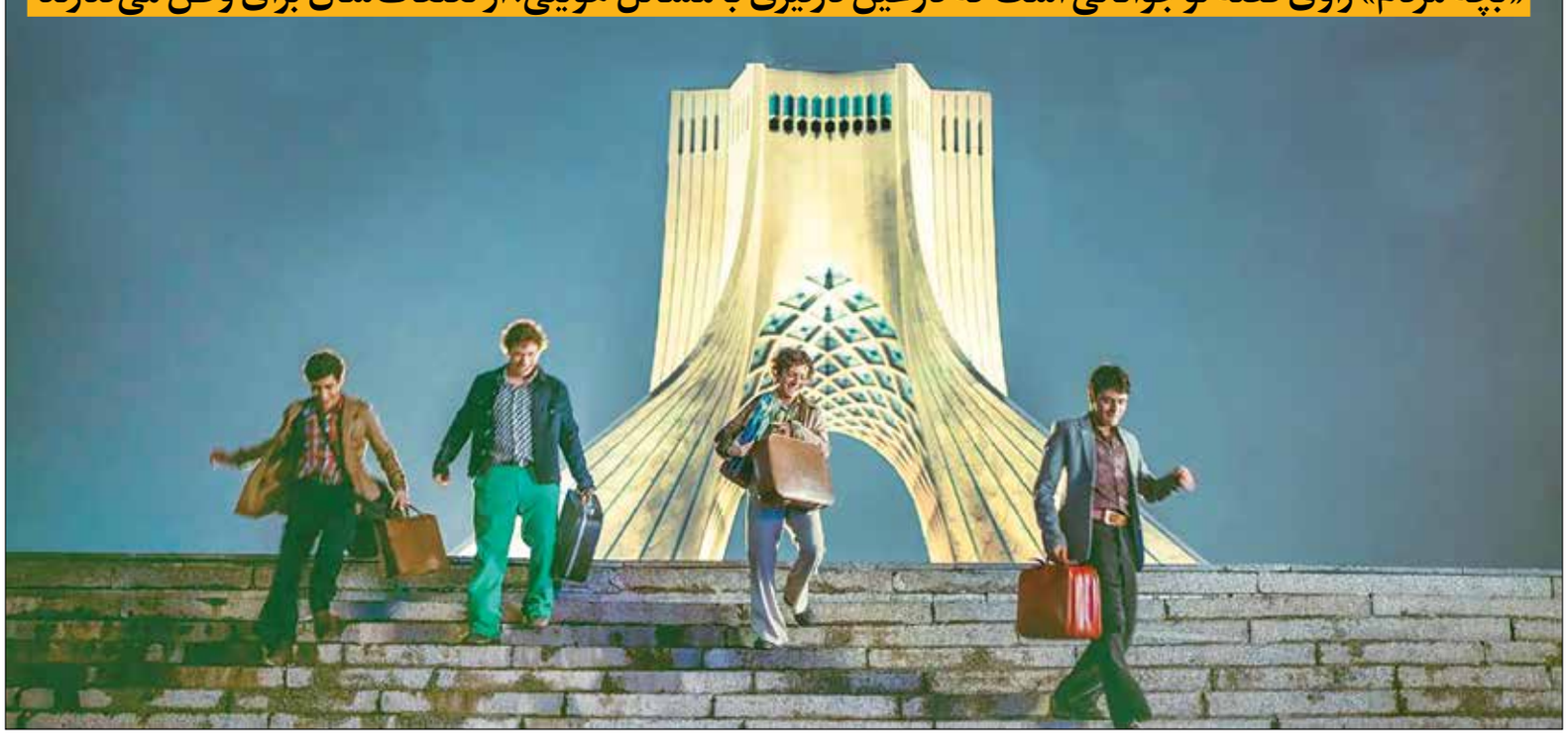
پویش جهانی «کتاب فارسی من» کلید خورد

بنیاد سعدی به‌مناسبت فرارسیدن هفته کتاب و کتابخوانی در ایران، پویشی جهانی با عنوان «کتاب فارسی‌من» را برای فارسی‌آموزان سراسر دنیا آغاز کرد. این رویداد فرهنگی با هدف ترویج فرهنگ مطالعه و تقویت ارتباط غیرفارسی‌زبانان با زبان و ادبیات فارسی طراحی شده‌است. براساس فراخوان منتشرشده توسط این بنیاد، تمامی علاقه‌مندان و فارسی‌آموزان در کشورهای مختلف می‌توانند در این پویش شرکت کنند. شرکت‌کنندگان باید عکسی خلاقانه از خود به‌همراه یکی از کتاب‌های آموزشی بنیاد سعدی بگیرند. این عکس‌ها می‌توانند در فضاهای متنوعی مانند کلاس درس، کتابخانه‌ها، مراکز فرهنگی و تاریخی، یا حتی در کنار نمادهای ملی و پرچم کشورشان ثبت شوند. شرکت‌کنندگان باید آثار خود را از تاریخ ۵ تا ۲۴ آبان‌ماه ۱۴۰۴ از طریق پیام‌رسان واتس‌اپ به‌شماره ۹۸۹۱۰۲۲۳۵۶۲۸+ ارسال کنند. دبیرخانه پویش اعلام کرده است که پس از بررسی تصاویر ارسالی، به سه اثر برگزیده جوایزی شامل جایزه نقدی، گواهی تقدیر رسمی و همچنین معرفی ویژه در وب‌سایت و شبکه‌های اجتماعی بنیاد سعدی اهدا خواهد شد. این پویش گامی در راستای ایجاد پیوندی عمیق‌تر میان مخاطبان جهانی زبان فارسی و میراث فرهنگی ایران است.



نوجوانان بی‌پناه، قهرمانان گمنام جنگ

«بچه مردم» راوی قصه نوجوانانی است که درعین درگیری با مسائل هویتی، از تعلقات‌شان برای وطن می‌گذرند





نسرین بختیاری
گروه فرهنگ

روایت نوجوانانه به‌طورکلی در سینمای ایران کم است و شاید فیلم‌های «باغ کیانوش» و فیلم در حال اکران «بچه مردم» آغازگر چنین راهی باشند. «بچه مردم» به کارگردانی محمود کریمی جزو پرجایزه‌ترین فیلم‌هایی است که زندگی بچه‌های پرورشگاهی را از سنین کم تا بزرگسالی در دهه ۶۰ مرور می‌کند. این فیلم در جشنواره فجر جوایزی نظیر بهترین فیلمنامه، بهترین تدوین و بهترین کارگردانی را به‌دست‌آورد و همچنین در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اخیر در اصفهان نیز پروانه زرین بهترین فیلم، بهترین کارگردانی و... را صید کرد. در میان بچه‌های این فیلم، چهار نوجوان هستند که خط اصلی قصه براساس کنش و واکنش میان آنها شکل می‌گیرد. «بچه مردم» راوی قصه نوجوانانی است که در عین درگیری با مسائل هویتی خود و پذیرفتن نقش‌های بزرگسالی، از همه تعلقات‌شان برای وطن می‌گذرند و در جبهه‌های جنگ حضور پیدا می‌کنند. این فیلم از ۳۰ مهر اکران شده و نزدیک به دو میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان فروش داشته و ۲۶ هزار و ۶۷۰ نفر نیز این فیلم را دیده‌اند. اکران این فیلم بهانه‌ای شد که با محمود کریمی، کارگردان این اثر گفت‌وگو کنیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید:

چه شد که سوژه «بچه مردم» را برای ساخت اولین فیلم‌تان استفاده کردید؟

البته ما هیچ تصور یا نیت قبلی برای کار روی این موضوع نداشتیم و این سوژه به ما پیشنهاد شد و ایده اولیه از ما نبود. در واقع، این سوژه و موضوع بود که سراغ ما آمد. اول آقای احمدی و بعد هم آقای اصلانی که سال‌ها دغدغه ساخت فیلمی درباره این بچه‌ها را داشتند، به ما موضوع را پیشنهاد کردند. وقتی با موضوع آشنا شدیم، متوجه شدیم که این بخش از تاریخ و زندگی بچه‌ها، بسیار ناگفته مانده و مغفول است. برای همین، احساس کردیم این موضوع ارزش کارکردن دارد.

تجربه مستندسازی شما در برنامه‌هایی مثل خندوانه چقدر به انتخاب عناصر فانتزی در روایت «بچه مردم» کمک کرد؟

این تجربه‌ها به پیش از «خندوانه» برمی‌گردد. تمام تجربه‌هایم در برنامه‌هایی مثل «مردم ایران سلام» (سال‌های ۸۵ و ۸۶) و «پارک ملت» (سال‌های ۸۹ و ۹۰) به من کمک کرد تا با مخاطب عام ارتباط برقرار کنم. در این برنامه‌ها، دقت و توجه زیادی به خلق محتوایی مفرح، سرزنده و جذاب وجود داشت. بنابراین، این تجربیات به‌طور ناخودآگاه مسیری را برایم ایجاد کرد که بعدها در «بچه مردم» آنها را به کار بستم. در «خندوانه» که برنامه‌ای مبتنی بر کمدی فانتزی بود، این فرصت را داشتم که شیوه‌های مختلف را امتحان کنم. خندوانه به عنوان یک کارگاه خلاق، فضایی فراهم کرد تا با همکاری رامبد جوان و دیگر دوستان، انواع روش‌ها و گونه‌های کمدی را به کار بگیریم. این برنامه که در ابتدا تصور نمی‌شد بیش از چندماه ادامه یابد، به پروژه‌ای ۱۰ ساله با ۸ فصل تبدیل شد و تاثیر زیادی روی کار و زندگی‌مان گذاشت. علاوه بر این، تجربه‌های دیگرم در ساخت سریال، تیزر و کارهای کوتاه نمایشی نیز در ساخت «بچه مردم» کمکم کرد. به طور کلی همیشه نگاهی بازیگوشانه را در وجودم داشتم و در هر قالبی اعم از مستند، سریال و گزارش از آن استفاده می‌کردم.

زندگی واقعی بچه‌ها در بهزیستی تلخی‌هایی دارد. فیلم شما چطور بین روایت زندگی این نوجوانان و ارائه داستانی جذاب برای مخاطبان تعادل برقرار کرد؟... ایجاد این تعادل چه چالش‌هایی برای شما داشت؟

نگاه اولیه به زندگی بچه‌ها در مراکز نگهداری، به طور معمول همراه با ترحم و تصور دنیایی سخت و تلخ است که البته درست است اما نکته اینجاست که این بچه‌ها هم مثل همه ما با فراز و نشیب‌ها، عواطف و کنجکاوی‌های خودشان زندگی می‌کنند. دیدگاه ما این بود که نگاه ترحم‌آمیز نسبت به این بچه‌ها به طور صرف از بیرون این محیط سرچشمه می‌گیرد اما ما قرار بود از زاویه آنها به زندگی نگاه کنیم. سوی دیگر ماجرا این بود که می‌خواستیم با مخاطب عام بدون این‌که در فضای تراژدی باقی بمانیم، ارتباط برقرار کنیم، چون ماندن در فضای تلخ و تراژیک موجب می‌شد بخشی از مخاطبان را از دست بدهیم. به همین دلیل، فرمی را انتخاب کردیم که مخاطبان را از ابتدا درگیر غم و اندوه نکند، بلکه او را به تجربه زندگی کنار این بچه‌ها دعوت کند تا خودش آنها را حس و درک کند و ببیند. تا زمان ساخت «بچه مردم» تجربه ساخت فیلمی رئالیستی را نداشتم و مطمئن نبودم که بتوانم چنین اثری خلق کنم، چون نگاهم به دنیا این‌گونه نیست. به همین دلیل انتخاب این فرم روایی برای من، فیلمنامه‌نویس (همسرم، فائزه یارمحمدی) و تهیه‌کننده (سیدعلی احمدی) یک ریسک و چالش بزرگ بود. ما دغدغه داشتیم که آیا این لحن خاص که با فیلم‌های اجتماعی دیگر متفاوت است، جوابگو هست؟ اوایل خیلی سبک و سنگین می‌کردم و برایم سؤال بود که اگر قصه را با فرم فعلی روایت کنیم، از پس آن بر می‌آییم؟... وقتی با خودم صادق شدم، دیدم تنها روشی که بارها امتحان کرده‌ام و در آن تجربه دارم، همین شیوه است. رسیدن به این لحن خاص که هم قصه را زیبا و احساس برانگیز کند و هم از نظر اجتماعی متمایز باشد، نقطه عطف مهمی در ساخت فیلم بود. ما تمام توان خود را گذاشتیم و امیدوار بودیم نتیجه بدهد. نمی‌گویم صددرصد بهترین شکل ممکن را اجرا کردیم اما خدا را شکر با عموم مخاطبان ارتباط برقرار کردیم.

فرآیند گذر از نوجوانی به بزرگسالی جزو مقاطع مهم زندگی است و شما به سراغ نوجوانانی رفتید که داستان‌شان ناگفته مانده و کمتر گفته شده است.

بله؛ در دوره نوجوانی مساله هویت پررنگ می‌شود و برای بچه‌های پرورشگاه، این موضوع اهمیت بیشتری دارد. تلاقی این وضعیت برای ما بسیار جذاب بود و فهمیدیم که این موضوع می‌تواند پایه و اساسی برای ساخت فیلم باشد. این وضعیت به ما کمک کرد تا روایت را براساس هویت این نوجوانان بنا کنیم و داستان را حول آن شکل دهیم. این بچه‌ها که در حال بزرگ‌شدن هستند، باید نقش‌های بزرگسالی را به عهده بگیرند و این‌گذار از نوجوانی به بزرگسالی؛ چالش‌هایی دارد که جزو حداقل دشواری زندگی آنهاست. بدون رودربایستی مشکلات و تلخی‌های زندگی کسانی که در آن محیط رشد می‌کنند؛ به مراتب از ما بیشتر است. همین که بدون سرپرست مشخص بزرگ می‌شوند، یک مشکل است و زمانی که به سن نوجوانی و بلوغ می‌رسند، نسبت به ما بی‌پناه‌تر هستند و دنیا برای‌شان غریبه‌تر و ترسناک‌تر است. اگر این حس در فیلم منتقل شده، خوشحالم. ما کار عجیبی نکردیم، فقط تلاش کردیم این واقعیت را منعکس کنیم و موقعیت زندگی آنها را تصویر کنیم.

برای فضاسازی دهه ۶۰ در فیلم و بازسازی فضای آن دوره، با چه مشکلاتی روبه‌رو بودید؟

در سینما، بازسازی دوره‌های تاریخی مثل قاجار، پیش از انقلاب یا دهه ۶۰ چندان پیچیده نیست. روش‌های فنی مشخصی برای این کار وجود دارد؛ هر کارگردانی با کمک طراح صحنه، طراح لباس و گروهش می‌تواند این کار را انجام دهد. در سال‌های اخیر، فیلم‌های زیادی با حال و هوای دهه ۶۰ ساخته شده‌اند و منابع زیادی در دسترس است. من هم به هرحال متعلق به آن دوره‌ام و خاطرات کمرنگی از آن سال‌ها دارم که به کار بستم. برای جزئیات بیشتر نیز از منابع مختلفی مثل عکس‌ها، کتاب‌ها و حتی روزنامه‌های آن دوره استفاده کردیم. به‌ویژه، برای درک بهتر برهه انقلاب، تمام روزنامه‌های سه سال اول انقلاب را مرور کردم تا حس و حال آن زمان را بهتر درک کنم. این فرآیند با وجود دشواری با روش‌های موجود و کمک منابع ممکن شد.

فرآیند انتخاب چهار نوجوان برای بازی در «بچه مردم» چطور بود؟

مثل هر گروه دیگری که بازیگر مورد نظر خود را در میان گزینه‌های بازیگران موجود پیدا نمی‌کنند، ما هم ناچار به کشف بازیگر شدیم. خیلی زود متوجه شدیم که در این رده‌سنی بازیگر چندانی نداریم. با کمک دوست عزیزم، علی صلاحی که زحمت انتخاب بازیگر و بازیگردانی را کشید، با حوصله و دقت بسیار کار را شروع کردیم. فراخوان گسترده‌ای دادیم و در کلاس‌های بازیگری مختلف، نزدیک به سه هزار نفر را دیدیم و از آنها تست گرفتیم. این فرآیند حدود دو ماه و نیم طول کشید و حتی باعث شد پیش‌تولیدمان طولانی‌تر شود. بعد از انتخاب بازیگران، دوره‌های فشرده‌ای برای تمرین و آشنایی آنها با مقطع تاریخی فیلم برگزار کردیم. روی لحن و بازی‌شان کار کردیم و این فرآیند، مثل بسیاری از فیلم‌های دیگر با سختی‌ها و تلاش‌های زیادی همراه بود اما خدا را شکر نتیجه‌اش خستگی را از تن‌مان بیرون کرد.

بازی نوجوانان بازیگر در مقطع تاریخی دهه ۶۰ چطور بود و چه واکنشی داشتند؟

برای آنها بسیار جذاب بود. آنها تکالیف و مسئولیت‌های روزانه داشتند و باید کتاب می‌خواندند، مونولوگ می‌گفتند و حتی خاطره‌نویسی می‌کردند و موسیقی‌های آن دوره را گوش می‌کردند تا خودشان را در آن مقطع تصور کنند. چند بار هم با لباس‌های دهه ۶۰ در خیابان‌ها تردد کردند تا حس زندگی در آن دوره را تجربه کنند. دیدن بعضی فیلم‌ها و گوش‌کردن به صدای خوانندگان آن دوره برای آنها جذاب و هیجان‌انگیز بود.

چقدر موسیقی کریستف رضایی و فیلم‌برداری میلاد پرتوی به خلق فضای دهه ۶۰ در فیلم کمک کرد؟

آقای رضایی سال‌هاست توانایی خود را نشان داده و آقای پرتوی هم با انرژی و انگیزه بالا کار کرد. همچنین دیگر دوستان مثل احسان روناسی (گریم) و نازنین خزاعی (طراح لباس) و بخش‌های صدا و تدوین همه توان خود را به کار بستند. شاید برگ برنده اصلی مافیلمنامه بود؛ وقتی فیلمنامه خوب باشد، همه عوامل با انگیزه بیشتری کار می‌کنند. تولید فیلم نیز چالش اساسی برای گروه محسوب می‌شد؛ چون طراح لباس باید به‌سراغ لباس‌هایی می‌رفت که در آن دهه پوشیده می‌شد. به طور کلی در فرآیند ساخت فیلم حضور بسیاری از همکاران از جمله بابک کریمی (طراح صحنه)، پرویز آبنار (صدابردار)، فواد بوربور (مدیر تولید) و... مؤثر بود. همچنین تعدد شخصیت‌ها و تغییرات موقعیت‌ها در دوره‌های مختلف دهه ۴۰، ۵۰ و ۶۰ چالش بزرگی برای همه گروه بود اما این چالش‌ها برای گروه‌های سینمایی جذاب است، چون از روتین بودن کارها خوش‌شان نمی‌آید و وقتی با چالش مواجه می‌شوند، با شوق و انگیزه کار می‌کنند.

حس‌وحال آقای محمود کریمی پیش و پس از ساخت «بچه مردم» چه تغییری کرده است؟

هیچ‌کدام از اعضای گروه ما تجربه مستقیمی از زندگی و ارتباط با بچه‌های پرورشگاه نداشتند. در اینجا اول از همه باید از یوسف اصلانی که ساعت‌ها با او جلسه داشتیم و بسیار از او کمک گرفتیم، تشکر کنم. او تجربه و شناخت خوبی در این زمینه داشت. سپس با افراد دیگری که این فضا را می‌شناختند، مصاحبه کردیم. همچنین از هر منبع در دسترسی مثل عکس‌ها، بریده‌های روزنامه یا کتاب‌ها برای تکمیل اطلاعات استفاده کردیم. این کار به ما کمک کرد تا درک بهتری از زندگی این بچه‌ها داشته باشیم.

جوایز متعددی به «بچه مردم» در جشنواره فجر و کودک تعلق گرفت. دلیل این توجه را در چه می‌دانید؟

من سال‌ها به جشنواره‌ها- چه داخلی و چه خارجی- رفته‌ام و با فضای آنها آشنا هستم. موفقیت یک فیلم در جشنواره به عوامل بسیاری اعم از دوره‌ای که فیلم نمایش داده می‌شود، فیلم‌های دیگر آن سال و حتی سلیقه داوران بستگی دارد. گاهی فیلم‌های خوبی ساخته می‌شوند اما به دلایل مختلف دیده نمی‌شوند. جایزه‌گرفتن لذت‌بخش است اما می‌دانم که ممکن بود فیلم دیگری به‌جای ما جوایز را ببرد. حتی در بخش‌هایی که جایزه نبردیم، می‌دانم کارمان خوب بود، ولی این تصمیم داوران بود. ما نا‌چاریم نگاه متعادلی به جشنواره‌ها داشته باشیم و تشویق‌ها و بی‌توجهی‌ها را نباید چندان جدی بگیریم وگرنه دچار فراز و نشیب زیادی می‌شویم. برای ساخت فیلم، همیشه تازگی قصه و فرم در دیده شدن فیلم مؤثر است.



آیا مؤسسه خیریه‌ای که در فرآیند ساخت به شما کمک کرد، خواسته‌های خودشان را در رابطه با چگونگی ساخت فیلم تحمیل نکردند؟

اجازه دهید صحبت شما را تصحیح کنم که مؤسسه خیریه بهشت امام رضا(ع) به ما کمک نکرد، بلکه آنها از ما کمک خواستند و یوسف اصلانی باعث و بانی این پروژه بود. تنها خواسته آقای اصلانی این بود که در پایان فیلم عکس بچه‌های شهید را نشان دهیم. غیر از این، هیچ دخالت یا ممانعتی نداشتند و دست ما به‌طور کامل باز بود.

برش

خوشحالم حرفم در بچه مردم شنیده شد

محمود کریمی، کارگردان درباره ساخت اولین فیلمش، «بچه مردم» به «جام‌جم» می‌گوید: «من از کودکی با سینما آشنا بودم. برادرم تهیه‌کننده سینما بود و فیلم کوتاه می‌ساختم. همیشه با این فضا و آدم‌ها پیوند داشتم اما ساخت «بچه مردم» به‌قدری به تعویق افتاده بود که فکر می‌کردم شاید دیگر فرصتش پیش نیاید. با بالا رفتن سن و سخت‌تر شدن شرایط فیلم‌سازی، از نظر اقتصادی و تولیدی، این کار سخت‌تر شده بود.
وقتی بالاخره این فرصت به دست آمد، واکنشم این بود که «چه عجب، بالاخره امکان پذیر شد!» با ساخت این فیلم به ادامه مسیرم امیدوار شدم. واکنش‌ها، به‌ویژه از استادان و مخاطبان برایم لذت‌بخش بود. لحظه‌ای که موفق می‌شویم حرف‌مان را به مخاطبان منتقل کنیم و مخاطبان نیز واکنش خوبی نسبت به آن نشان می‌دهند، لحظه‌ای درخشان محسوب می‌شود که جزو آرزوهای یک فیلمساز است. خوشحالم حرفم در «بچه مردم» شنیده و ارتباط‌مان با مخاطبان برقرار شد.»

یادداشت

شهاب‌الدین بنائیان | نویسنده و پژوهشگر

در سوگ «حیایی» که کم شده است!



در کوچه و خیابان، آنهایی که جز نمایش زوایای پیداو پنهان زندگی خودشان و سرک‌کشیدن به خفا و آشکار دیگران کاری ندارند و با مراتب مسلمانی نیز، ناآشنا و بی‌خبرند، به هم می‌گویند فیلم عروسی دختر فلانی را دیدی؟!... پیش‌تر، وقتی که هنوز زمام اخلاق‌مان را به‌دست شیطان نسپرده و برای رعایت آداب بندگی، حریمی قائل بودیم، حیا در حیات ما، ارزش و اعتبار بسیار داشت!... حالا مسابقه گذاشته‌ایم برای بردن آبرو! مستند به هیچ و پوچ، غیبت می‌کنیم و تهمت می‌زنیم! حرام خدا را در رقابت‌های نامیمون دنیوی، به حلال مبدل نموده و به‌راحتی، حرمت‌هایی را که حق تعالی مراعات‌شان را واجب دانسته، می‌شکنیم. آری! فرمود که در آخرالزمان، مردمان غربال گردند تا پاکان از آلودگان و سره از ناسره شناخته شود.
امکان ندارد کسی به دیگری ظلمی روا دارد و تبعات همان ستمکاری و کم‌انصافی، روز دگر، دامان خودش را نگیرد!... در آموزه‌های دینی و اخلاقی ما آن‌که برای انتقام‌جویی و کینه‌توزی و... به حیثیات انسان‌ها لطمات جبران‌ناپذیر می‌زند و مصدر هتک آبروی آبرومندان می‌شود، بافرد یا افرادی که آن اتهام را اشاعه می‌دهند، شریک است و در مجازات آن معصیت بزرگ، سهیم.
از غیر متدینین و مدعیان دینداری توقع خاصی نیست که حدود و ثغور موازین شرعی را رعایت نمایند اما از آنان که نماز می‌خوانند و به اوامر و نواهی دین، پایبندی دارند، هرگز توقع نمی‌رود با قصور و تقصیر، تشییع فاحشه کنند و بوی آزاردهنده تباهی را در جامعه ایمانی بپراکنند! باید بدانیم که تعبیر اشاعه «فحش» و «فحشاء» و «فاحشه» به‌معنای وسعت‌بخشیدن به هر رفتار و گفتاری است که زشتی آن بزرگ باشد! قرآن کریم در آیه ۱۹ سوره مبارکه نور، پیرامون مجازات مرتکبان چنین معصیتی می‌فرماید: « إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ »؛ «کسانی که دوست دارند کارهای بسیار زشت [مانند آن تهمت بزرگ] در میان اهل ایمان شایع شود، در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهند داشت، و خدا [آنان را] می‌شناسد و شما نمی‌شناسید»

بازی

«تیاتر رومیزی» از انیمیشن به بازی رسید



همزمان با روز جهانی انیمیشن، از پوستر بازی رومیزی «تیاتر رومیزی» رونمایی شد؛ محصولی سرگرم‌کننده که از دنیای انیمیشن سینمایی موفق «ژولیت و شاه» الهام گرفته است. این بازی که توسط گروه «هفت خان» و به سرپرستی مهتاب گراکوئی طراحی شده، بازیکنان را به دوران قاجار می‌برد. داستان بازی در آستانه جشن تاج‌گذاری ناصرالدین‌شاه رخ می‌دهد، جایی که بازیکنان در نقش بازیگران تئاتر برای کسب افتخار اجرا در حضور شاه با یکدیگر رقابت می‌کنند. آنها باید با اجرای مونولوگ‌های نمایشی، مهارت‌های بازیگری و فن بیان، خود را به چالش بکشند. این بازی که برای ۲ تا ۸ بازیکن و رده سنی بالای ۸ سال مناسب است، تجربه‌ای هیجان‌انگیز برای تقویت اعتماد به نفس و هوش هیجانی فراهم می‌کند. انیمیشن «ژولیت و شاه» به‌کارگردانی اشکان رهگذر، پیش از این جوایز بین‌المللی متعددی کسب کرده است. بازی رومیزی «تیاتر رومیزی» نیز که در جشنواره «هنر خلاق» اصفهان برگزیده شده، قرار است اواسط آذر به بازار عرضه شود و پلی میان هنر انیمیشن و سرگرمی‌های رومیزی برقرار کند.

رویداد

مهراد نوبخت‌پور درگذشت



مهراد نوبخت‌پور، هنرمند فعال و مدرس باسابقه موسیقی ایران، درگذشت. او متولد ۱۳۶۴ و فارغ‌التحصیل کارشناسی موسیقی از هنرستان عالی موسیقی بود و بیش از دو دهه از عمر خود را صرف تدریس سازهای متنوعی چون ویولن، کمانچه، دف، تنبک، تنبور و همچنین سلفژ کرد. نوبخت‌پور در مسیر هنری خود از محضر اساتید برجسته‌ای چون مصطفی کمال پورتراب، حسین دهلوی، اردشیر کامکار و هادی منتظری بهره برده بود. فعالیت‌های او طیف وسیعی از حوزه‌های موسیقی را در بر می‌گرفت؛ از تنظیم، نوازندگی و نظارت بر ضبط آلبوم‌هایی چون «غوغای هستی» و «نگار من تو مرو» تا آهنگسازی و نوازندگی برای آثار تصویری و نمایشی نظیر انیمیشن‌های «شکرستان» و «جوانمردان». این نوازنده چیره‌دست در عرصه موسیقی صحنه‌ای نیز کارنامه‌ای پربار داشت و با گروه‌های متعددی از جمله گروه وزیری، اردیبهشت، بام و آوای زنده‌رود همکاری کرده بود. فقدان او ضایعه‌ای برای جامعه موسیقی کشور محسوب می‌شود و یاد و خاطره‌اش در میان شاگردان و همکارانش زنده خواهد ماند.